



د لښو شته ژالان

محمد پياښين نصرتي (شاهپياس)

طراح: شاهپياس

سایت و انجمن کافه نویسندگان با هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی و ارتقای سطح فرهنگی و رشد سطح علم و ادبیات جامعه، بر طبق شئونات اخلاقی، فرهنگ خانواده های ایرانی و با احترام به عرف حاکم بر کشور تاسیس گردید، تا بتواند فضایی سالم و فرهنگی را برای علاقه مندان به رمان و کتاب ایجاد کند.

تمامی حقوق سایت و انجمن نزد کافه نویسندگان محفوظ است. هرگونه کپی برداری از کتاب ها و رمان ها ، فایل های صوتی ، جلد کتاب ها و ... مجاز نمی باشد. همچنین نشر مجدد محتویات انجمن و سایت در رسانه ها ، اپلیکیشن ها و سایت های دیگر کاملاً غیر مجاز بوده و تیم کافه نویسندگان راضی به این کار نمی باشد. در صورت عدم رعایت قوانین، تیم کافه نویسندگان با فرد خاطی از طریق مراجع قانونی برخورد خواهد کرد.



اطلاعات اثر

دسته بندی: دلنوشته

عنوان: ژالان

نویسنده: محمد یاسین نصرتی (شاه‌یاس)

ژانر: عاشقانه

انتشارات : کافه نویسندگان

شناسنامه‌ی اثر

ویراستار: یاسمن بهادری

طراح: شاه‌یاس

کیبست: تیفانی



cafewriters.xyz

مقدمه:

در دل شبی بارانی، جایی که قلبم از درد و دلتنگی فریاد می‌کشد، این دلنوشته متولد می‌شود. حکایت عشقی که هم آرامش است و هم طوفان، هم امید است و هم ناامیدی. در این کلمات، پژواک فریادهای خاموش و نجوای عاشقانه قلبم را خواهید شنید.

چشمانم چیزی نمی‌بینند؛ فقط صدای نم‌نم باران بر شیروانی سرخ قلبم را می‌شنوم.
صدای خروشان رعد، قلبم را می‌لرزاند. صدای شکستگی پنجره‌های قلبم را می‌شنوم.

اشک‌هایم مانند مرواریدهای سفید و درخشان در تاریکی اتاق، بر روی گونه‌های بی‌رنگم
می‌چکند. دل و احساسم به فریاد آمده‌اند.

از فکر کردن به تو، افکارم به دستانم گره می‌خورند؛ از فکر کردن به تو، درد تمام
وجودم را فرا می‌گیرد. این شکوفه در قلبم آرام‌آرام پژمرده می‌شود، شعله می‌کشد و
خاکستر می‌شود.

سایه‌ات مرا در آغو*ش می‌فشارد، وجودم را به گرمی در بر می‌گیرد؛ آه... جانم فدای
چشمان آهویی تو، جانم فدای چهره‌ی رنگینت.

ای بی‌خبر، کجایی که دلم از عشق تو دیوانه گشته است؟ بر سر خود می‌زند و می‌گوید:
«من عاشق شدم، عاشق زینت و گوهر زیبایی تو شدم.»

ای بی‌خبر، عطر تو گویی با کالسکه‌ای از سوی بهشت در نفس‌گامم رژه می‌رود...
می‌گویم من اینجا هستم؛ اما بی‌روح و نفس. می‌گویم من اینجا هستم اما با غم و درد.

دستانم محکم مشت می شوند، مژگانم محکم بر یکدیگر فرود می آیند. می گویم،
می گویم به خاک و باران و آتش قسم که خاک عاشق باران است، باران عاشق آتش
است و من عاشق تو!

هر وقت به تو فکر نمی کنم، عشقت مانند گیاهی سبز، تازه جوانه می زند؛ رشد می کند و
به درختی بزرگ و چندساله تبدیل می شود. این درخت بید مجنون است.

باران اشکها صورتم را فرا گرفته بود؛ با بدنی بی حال و بی رنگ و جان از روی تخت
بلند شدم؛ سرم سنگین بود و گیج می رفت. چه شده بود؟! چه کار کرده بود این شیدایی
با من؟

می گفتند ای نگهبان عشق، این دلدادگی محال است، گوش نکردم. می گفتند این درد
بی درمان است، گوش نکردم. می گفتند معشوق بی خبر است، گوش نکردم.

دلم می خواست گوش دهم به حرفهایشان، اما درونم در دریایی سیاه دست و پا می زد.
ای جگرگوشه ی من، بگو چه کنم؟! چطور تو را از ذهنم، از قلبم، از سرتاسر وجودم
بیرون کنم؟!

ملودی در گوشم شروع به خواندن کرد؛ دستانم را مانند پر، پرواز دادم و شروع به
رقصیدن کردم. کمی جلو رفتم... یاد اولین دیدارش افتادم.

کمی عقب رفتم... یاد اولین لبخندش افتادم. همانند چرخ و فلکی، چرخ زدم و جریان باد را دورم حس می کردم که یاد چشمانش افتادم.

چشم آهوئی من، می دانم که تو از وجود من بی خبری، اما ترسی تمام وجودم را اسیر کرده و نمی گذارد تو را در آغو*ش بگیرم، موهای فِرت را نوازش کنم.

گل گلدان من، ژالان من، صدایت می زنم، برگرد، به من نگاه کن... من را احساس کن... در دلت مرا حک کن و بوسه ای بر گونه ام بگذار...

آه، روزگار سخت، روزگار درد... من امیدم را از دست داده ام، فقط در خیالم تو را می بینم.

رقصیدن را رها کردم و بر روی سرامیک های سرد نشستم؛ شروع به اشک ریختن مانند باران کردم، شروع به فریاد زدن مانند رعد کردم.

قربانت بشوم من، درمان دردم! لاله لاله مانند آلاله تو را دوست دارم. با گفتن این حرفم سرمایی وجودم را فرا گرفت. از شدت سرما در خودم گره خوردم.

ديگر نښي دانستم چه كنم... چه كنم با مهر وجود تو در من؟! به من بگو چه كنم با
خودم؟! از گردنم خون جاري شود كافيست؟!

در عمق تاريخي بر روي گلهاي فرش دراز كشيدم؛ فرش را نوازش مي كردم. اي عزيز
من صدای من را بشنو... چه در اين دنيا چه در آن دنيا، من با تمام هستي ام تو را
دوست دارم.

اگر نتوانم تو را در اين زندگي به دست آورم، غم را در دل نگه مي دارم، اما در زندگي
بعدي، تو را در كنار خود خواهم داشت، در آرامش و در دل تاريخي شب... .

پايان

کافه نویسندگان انتشارات دیجیتال کتاب متنی و صوتی

اگر تصمیم دارید کتابتان را چاپ کنید یا به تازگی اثری را شروع کنید و آن را به چاپ برسانید، به مجموعه کافه نویسندگان بپیوندید

✓ نقد و نظارت و راهنمایی رایگان

کافه نویسندگان در راستای نگارش اثری مطلوب به شما یاری می دهد و از ابتدای نگارش یک اثر تا انتهای آن همراه شما خواهد بود. اثر شما در انجمن ما به طور رایگان نقد می شود و شما می توانید با کمک از نقد خود، اثرتان را ویرایش کنید و ایرادها را اصلاح کنید و به این صورت سطح اثرتان را بالا ببرید و شانس بیشتری برای چاپ داشته باشید.

✓ ویراستاری رایگان

اثر شما به صورت رایگان از نظر نگارشی ویرایش می شود و رعایت علائم نگارشی و نکات ویراستاری برای شما یک امتیاز مثبت محسوب می شود. ✓ برگزاری ورکشاپ و کارگاه های آموزشی آنلاین به صورت رایگان در انجمن نویسندگی کافه نویسندگان

شما مى توانيد به صورت كاملا رايجان در كارگاه هاى آموزشى با سرفصل هاى متنوع شركت كنيد و شركت براى عموم آزاد است، شما مى توانيد حتى از شروع كنيد و در انجمن كافه نويسندگان آموزش ببينيد و اثرتان را به چاپ برسانيد.

✓ مشاوره هاى رايجان

ما براى تمام مراحل از نگارش كتاب تا چاپ و توليد آن به صورت رايجان به شما مشاوره خواهيم داد. ما با مشاوره سعى خواهيم كرد بهترين نتيجه را از اثر خود بگيريد.

✓ در كافه نويسندگان هرگز دلسرد نخواهيد شد!

اگر اثر شما جهت چاپ تايد نشود، كتاب شما به صورت رسمى در سايت اصلى به صورت ديگيتال منتشر خواهد شد. خبر خوب اين است كه مى توانيد نسخه ي فروشى با قيمت توافقى خودتان را هم در فروشگاه اينترنتى كافه نويسندگان انتشار دهيد و به آسانى فروش اثر خود را كنترل كنيد.

✓ نيازى به پرداخت هزينه ي بالاي كاغذ نداريد.

با توجه به هزينه ي بالاي كاغذ و چاپ، انتشار الكترونيك بهترين گزينه است اما ما در كنار انتشار الكترونيك، چاپ رايجان هم براى شما عزيزان خواهيم داشت.

فكر آن كه خودتان براي چاپ كتاب خرج كنيد را از سرتان بيرون كنيد، چرا كه انتشاراتي كه به هزينه ي نويسنده اثرى را چاپ مي كند منجر به فروش نرسيدن آثار و جمع آوري كتاب ها در انباري و ضرر و زيان مي شود، ما با مشاوره و راهنمايي سعي مي كنيم همه چيز به نفع شما تمام شود و در كافه نويسندگان ريسكي نخواهيد كرد.

✓ اعتماد و اطمينان

اثر شما در انجمن ما محفوظ مي باشد و اگر اثرى را به ما مي سپاريد دست ما امانت است، انجمن كافه نويسندگان به تمامي حقوق نويسنده احترام مي گذارد و آنان را رعايت مي كند. توجه داشته باشيد كه سودجويان از آثار شما سو استفاده نكنند كه سارقان ادبي نيز كم نيستند اما خوشبختانه در كافه نويسندگان مي توانيد اثرتان را با خيال راحت به دست ما بسپاريد تا با اسم خودتان چاپ يا منتشر شود.

✓ مجوز رسمي از فرهنگ وزارت ارشاد اسلامي

تمامي فعاليت هاي مجموعه كافه نويسندگان به صورت قانوني و زير نظر وزارت ارشاد اسلامي صورت مي گيرد.

✓ مي توانيد استعلام بگيريد!

در صفحه ی اصلی سایت و فروشگاه، قسمت پایین صفحه می توانید با کلیک بر روی نماد ها، استعلام معتبر بودن مجوز هارا مشاهده کنید.

✓قرار داد با بهترین ناشران

ما با بهترین ناشران و معتبر ترین های کشور جهت چاپ رایگان آثار شما قرار داد بسته ایم. ما آثارتان را جهت چاپ برای انتشاراتی ها ارسال می کنیم و در راستای بهترین نتیجه و به ثمر رساندن تلاش هایتان همراه شما خواهیم بود.

✓ما با توجه به نوع اثر و ژانر و محتوا، طبق شناخت انتشاراتی را جهت چاپ انتخاب می کنیم که با توجه به موارد ذکر شده شانس بیشتری داشته باشید، برای مثال یک انتشارات بیشتر رمان های اجتماعی چاپ می کند، اگر اثر شما اجتماعی بود اثرتان را به آن انتشارات ارسال می کنیم.

✓نویسندگی و چاپ در تمام زمینه ها

فعالیت انجمن نویسندگی ما محدود به رمان دلدنوشته و شعر نیست بلکه کتاب های علمی ادبی، دینی، روانشناسی، داستانی، خودیار، سفرنامه، خاطره

نویسی، زندگینامه، داستان های کودکان و... تمامی زمینه های نویسندگی و کتاب فعالیت دارد.

"کافه نویسندگان بهترین گزینه برای به ثمر رساندن تلاش هایتان"

کافه نویسندگان به طور قانونی آثار نویسندگان را انتشار می دهد.

در صورت تمایل به انتشار هر گونه اثر در مجموعه کافه نویسندگان به صورت متنی یا صوتی، با ما در ارتباط باشید.

شما می توانید اثر خود را به ایمیل پشتیبان ارسال کنید تا پس از بررسی های لازم منتشر شود.

انجمن: [/https://forum.cafewriters.xyz](https://forum.cafewriters.xyz)



وبسایت: [/https://cafewriters.xyz](https://cafewriters.xyz)



اینستاگرام: [cafewriters.xyz](https://www.instagram.com/cafewriters.xyz)



تلگرام: <https://t.me/cafewriters1402>



ایمیل پشتیبانی: poyamoinifar@gmail.com

